

سیرز ابوالحسن خان صنیع الملک غفاری

مؤسس نخستین هنرستان نقاشی در ایران

یحیی ذکاء

رئیس موزه مردم شناسی

« امسال يك صد و پنجاه سال از تولد ابوالحسن خان صنیع الملک غفاری و يكصدسال از بنیاد گذاری نخستین هنرستان نقاشی با دست او در ایران می گذرد . هنرهای زیبای کشور و هنرستانهای وابسته بآن که خود را بحق وارث کوششهای آن هنرمند ارزنده می شمارند و هیئت تحریریه مجله هنر و مردم که خود را وظیفه دار اشاعه این نوع حق گزارها می دانند ، بیاس ارج شناسی از این هنرمند بزرگ ایرانی که با آثار خود گنجینه هنر این سرزمین را غنا بخشیده و پایه های نقاشی نوین را در این کشور استوار ساخته است ، در دو شماره (۱۰ و ۱۱) به بیان شرح حال و معرفی نمونه آثار وی می پردازند ، و بسیار خرسندند که بدینوسیله خاطره او را در دل های دوستاران هنر ایران تجدید کرده ، او را به هم میهنان خود معرفی می نمایند . . . »

يك نظر اجمالی بفهرست نام هنرمندان ایرانی از قدیمترین ایام تا امروز و وقت در نسبت های « کاشانی » و « کاشی » و « قاشانی » و « القاسانی » که پس از نام آنان آمده است گواه ادعای ما در این مورد تواند بود .

یکی از خاندانهای بزرگ کاشان که نسب خود را بای ذر غفاری یکی از صحابه معروف پیغمبر اکرم اسلام میرسانند ، خاندان « غفاری » است .

از این خاندان صاحبان سمت قضاوت و حکومت و سیاست و طبابت و کتابت و صناعت فراوان بظهور آمده ، بخصوص از میان افراد آن ، هنرمندان بزرگی برخاسته اند که هنر میهن خود را گامی چند فرایش برده ، بی گمان در سیر تحول و ترقی هنر نقاشی ایران در دو قرن اخیر تأثیر فراوان داشته اند و از جمله آنان میتوان : ابوالحسن المستوفی الغفاری ، ابوالحسن صنیع الملک غفاری ، ابوالحسن ثالث (یحیی خان غفاری) ، علیرضای

کاشان از دیرباز ، یکی از شهرهای هنر پرور و مرمکتر هنرمندان ایران بوده است . مردم با ذوق و مستعد و کوشای این شهر تاریخی در ساخت ظروف لعابی و کاشی اعلا ، بافت زری و مخمل و حریرهای لطیف ، تهیه قالی وقالیچه های نفیس و برخی هنرهای دستی دیگر ، در میان ایرانیان ، شهرت خاصی داشتند و همواره بعلت دارا بودن مهارت و استادی در صنایع فوق ، سرآمد هنرمندان ایران قرار می گرفتند .

رواج این قبیل هنرهای ظریف و دستی در کاشان و پرورش یافتن استعداد و ذوق مردم این شهر در طی قرون متمادی ، باعث گردیده بود ، در این شهر تاریخی ، در هر عصر و دوره بی ، خاندانهایی بوجود آیند که ذوق و هنرمندی در میان آنان موروثی بوده ، همه افراد آنها نسلاً بعد نسل ، بکوشند که این موهبت هنری را حفظ و تکمیل نموده ، رموز هنرهای خود را ، سینه بسینه و دست بدست ، باخلاف خود انتقال دهند .



شبهه میرزا ابوالحسن خان غفاری کاشانی «صنیع الملک» که در ربیع الاول ۱۳۷۷ در شماره ۴۷۲ روزنامه دولت علیه ایران بقلم خود او نقاشی و باسمه شده است

میرزا محمد مذکور بوده‌اند، بدینگونه، میرزا ابوالحسن اول عم پدر ابوالحسن ثانی (صنیع الملک) و ابوالحسن ثانی عم ابوتراب و کمال الملک و پدر ابوالحسن ثالث (یحیی خان غفاری) بوده است.^۴

میرزا ابوالحسن غفاری کاشانی، صاحب ترجمه، از قرائنی که در دست است، در حدود سال ۱۲۲۹ هـ. ق. متولد شده،

۱ - سده قطعه از تصاویری که نام بردیم ضمن مقاله بسیار سودمند آقای سیدمحمدتقی مصطفوی در شماره ۷ مجله نقش و نگار بچاپ رسیده است.

۲ - تابلو رنگ روغنی بزرگی که اینک در تالار پذیرایی وزارت دربار شاهنشاهی بدیوار آویخته است و تاج بخشی نادرشاه را نشان میدهد ورقم ابوالحسن و تاریخ ۱۱۸۹ دارد تردید بدیقین از این استناد است.

۳ - آقای سیدمحمدتقی مصطفوی در مقاله متمتع خود در مجله نقش و نگار، گویا باستناد اطلاعات آقای حسن نراقی، در خصوص شجره نامه خاندان غفاری، میرزا محمد پدر ابوالحسن ثانی را بلاواسطه فرزند معزالدین محمد دانسته‌اند که البته چنان نبوده است.

۴ - خانم پنا گدار و آقایان خان ملک ساسانی و مهندس مزدا و مرحوم دکتر بهرامی در نوشته‌های خود در برشردن نسب صنیع الملک و ابوالحسن مستوفی و دیگران دچار اشتباهی گشته‌اند که ذکر آنها در اینجا باعث تطویل کلام میگردد.

غفاری، مسعود غفاری، ابوتراب غفاری و محمد کمال الملک غفاری را نام برد.

ما در این گفتار، بدنبال مقاله بسیار سودمند و کامل آقای آشتیانی، درباره کمال الملک، بمعرفی یکی دیگر از شخصیت‌های هنری این خاندان، یعنی میرزا ابوالحسن خان صنیع الملک غفاری می‌پردازیم و امیدواریم در آینده فرصتهایی پیش آید که بتوانیم شرح زندگانی و نمونه آثار هنرمندان دیگر این خاندان را نیز در همین مجله منتشر ساخته و حق آنان را در تاریخ هنر ایران، چنانکه باید بگزاریم.

نیای بزرگ خاندان غفاری که ما در زمینه حیات او اطلاعاتی در دست داریم، قاضی عبدالمطلب غفاری کاشانی است که از رجال مهم کاشان بوده، در شورای دشت‌مغان که برای برگزیدن نادر، پیداشاهی ایران، برپا شده بود، نمایندگی کاشان و نطنز را داشته است و تصویر او در حالیکه بر استری سوار شده و عازم شورای مزبور است توسط ابوالحسن المستوفی الغفاری، یکی از نواده‌های او، در سال ۱۲۰۹ هـ. ق. نقاشی شده که اینک در جزو مجموعه بانوم معصومه غفاری محفوظ است. یکی از فرزندان قاضی عبدالمطلب مذکور، قاضی احمد خوانده میشده و چنانکه از عنوانش پیداست، او نیز سمت قضاوت شهر کاشان را داشته، و مردی محترم و معزز بوده است. از این قاضی نیز تصویری بقلم ابوالحسن مستوفی مذکور مورخ ۱۲۱۲ هـ. ق. موجود است که در مجموعه آقای حسنعلی غفاری محفوظ است.

فرزند قاضی احمد، میرزا معزالدین محمد بوده که از طرف کریم خان زند، سمت حکومت کاشان و نطنز را داشته، تا پایان عمر خویش که پس از فوت وکیل‌الرعایا اتفاق افتاده، بر این سمت باقی بوده است. دو تصویر آبرنگ نیز از این شخصیت بارز خاندان غفاری بدست فرزندش میرزا ابوالحسن مستوفی ساخته شده که یکی رقم و تاریخ ۱۱۹۶ هـ. ق. دارد و دیگری بی‌رقم و تاریخ است.^۱

معزالدین محمد غفاری نیز سه فرزند داشت که نخستین آنان میرزا احمد بود که او پدر میرزا مهدی پدر مرحوم فرخ خان غفاری (امین الدوله) است، دومی میرزا ابوالحسن نام داشته که بشغل استیفاء و نقاشی مشغول بوده، کتابی نیز بنام «گلشن مراد» در تاریخ زندیه بنام علی مرادخان زند تألیف کرده است و نقاشیهایی که در بالا برشمردیم همه از اوست^۲، سومی میرزا عبدالمطلب همنام نیای بزرگ خود بوده که از تاریخچه حیات او اطلاعی در دست نیست.^۳

میرزا عبدالمطلب فوق نیز دارای دو فرزند ذکور بوده بنام میرزا ابوالقاسم و میرزا محمد، که میرزا ابوالحسن خان صنیع الملک و میرزا بزرگ (پدر میرزا ابوتراب نقاشباشی و میرزا محمد کمال الملک) و میرزا علیرضا، هر سه فرزندان



سرمشق نقاشی برای میرزا ابوالحسن خان غفاری - از مجموعه آقای جعفر سلطان القرائی

کار شده است ولی پیداست که مقداری از تیرگی آن بسبب مرور زمان و مالیدن روغن‌های نامناسب و گرد و خاک حادث شده است و در صورتی که روغنهای تیره را از تابلو مزبور پاک نمایند، رنگها جلوه خود را باز خواهند یافت.

از این اثر و چند اثر دیگر که سپس معرفی خواهد شد، چنین استنباط میگردد که میرزا ابوالحسن خان غفاری پیش از سفر فرنگ، تحت تأثیر شیوه استادان خود، بهمان سبک مخصوص نقاشان اصفهانی کار کرده و در کارهای اولیه خود، طرز طراحی و قلم‌زنی و رنگ‌آمیزی آنان را مراعات می‌نموده است.

چنانکه گفته شد، از سال ۱۲۵۸ هـ. ق. تائیش آمدن سفر فرنگ، باز چندین اثر از میرزا ابوالحسن خان موجود است که از آن جمله: تصویر آبرنگ «خورشید خانم» با رقم «مشق ابوالحسن ثانی غفاری سنه ۱۲۵۹» متعلق به آقای حسنعلی غفاری و تابلو رنگ روغنی بزرگ دو دل‌داده و پیرزن مشاطه با رقم «غلام جان‌نثار ابوالحسن نقاشی (؟) سنه ۱۲۵۹»

۵ - دو تابلو بزرگ از فتحعلی‌شاه که در نخستین طاق‌نماهای طرفین ایوان تخت مرمر نصب شده است و هر دو رقم مهرعلی و تاریخ ۱۲۱۹ هـ. ق. دارد اثر این نقاش اصفهانی است.

پس از طی دوران کودکی و بانجام رسانیدن تحصیلات مقدماتی، در حدود پانزده، شانزده سالگی برای تعلیم گرفتن نقاشی، نزد استاد «مهرعلی اصفهانی» نقاش دربار فتحعلی‌شاه فرستاده شده است.

تک‌صورت آبرنگ سیاه قلمی از استاد مهرعلی نقاش، در مجموعه دوست و همشهری فاضل نویسنده، آقای جعفر سلطان القرائی موجود است که بعنوان سرمشق نقاشی میرزا ابوالحسن خان کشیده شده و در زیر تصویر در گوشه چپ «زدرقم بنده شه مهرعلی ۱۲۴۵» و در گوشه راست «بجهت سرمشق میرزا ابوالحسن... بتاريخ ۱۲۴۵» نوشته شده است ولی در عبارت رقم دوم متأسفانه نسبت ابوالحسن را که «غفاری» یا «کاشانی» بوده پاک کرده‌اند و جای آن خالی است و چون در آن تاریخ جز میرزا ابوالحسن غفاری که جوانی پانزده، شانزده ساله بوده، ابوالحسن دیگری از نقاشان آن عهد سراغ نداریم که بتواند سمت شاگردی مهرعلی مذکور را داشته باشد از اینرو در انتساب این سرمشق با ابوالحسن غفاری تقریباً نمی‌توان تردید داشت.

رقم و تاریخ سرمشق مزبور گذشته از این که معلوم میدارد، مهرعلی اصفهانی نقاش دربار فتحعلی‌شاه، استاد و معلم میرزا ابوالحسن خان غفاری بوده است، اینرا نیز آشکار میسازد که استاد مزبور که متأسفانه سرگذشت او پاک تاریخ است، تا سال ۱۲۴۵ هـ. ق. در حال حیات بوده و به تعلیم شاگردان خود اشتغال داشته است.^۵

میرزا ابوالحسن خان بنا بدوق فطری و استعداد موروثی در تحت تعلیم استادان خود، کم‌کم ترقی کرده، هنر خود را کامل ساخته، در ردیف نقاشان مبرز آن دوره قرار گرفت، بطوریکه در سال ۱۲۵۸ هـ. ق. در دوره سلطنت محمدشاه قاجار، که جوانی ۲۹ ساله بود، با اجازه داده شد که تابلو رنگ روغنی از صورت شاه تهیه کرده بدینوسیله جزو نقاشان دربار قرار گیرد.

تابلو مزبور که رقم «چاکر جان‌نثار ابوالحسن ثانی غفاری» و تاریخ ۱۲۵۸ هـ. ق. دارد و اکنون در حوضخانه موزه سلطنتی گلستان محفوظ است، قدیمترین اثر وی محسوب میشود و پیشتر از این تاریخ، اثر دیگری از او تاکنون دیده نشده، یا متأسفانه نویسنده، توفیق مشاهده آنرا نیافته است.

صورت رنگ روغنی محمدشاه که بقطع متوسط ساخته شده است، او را با کج کلاه مشکی ماهوت یا پوست باجقه بزرگ الماس نشان و تل، کلیجه ترمه بنه جقه‌یی آستر و سجاف خز، سرداری نظامی ماهوت سبز بادکمه‌های طلا، دستمال گردن (پاپیون)، گل کمر بزرگ تخمه زمرد الماس‌نشان، در حالیکه یک دست خود را آویخته و دست دیگر را در بالای کمر بند خود نهاده است، نشان میدهد. این تابلو در مایه رنگهای تیره و کدر

نویسنده اینطور استنباط می‌کند که این بانو بعلت داشتن زیبایی مطلوب زمان خود، و محرم بودن بابوالحسن‌خان در پرده‌هایی که بصورت زنی احتیاج بوده است، مدل نقاشی استاد قرار می‌گرفته است، زیرا میان تصویر آبرنگ خورشید خانم و تابلو رنگ روغنی دو دلداده، وجوه مشابهت فراوانی احساس می‌گردد و قیافه و تزیینات بانویی که در تابلو رنگ روغنی

تصویر خورشید خانم

تابلو رنگ روغنی بزرگ، اثر ابوالحسن‌خان ۱۲۵۹ هجری قمری
موزه سلطنتی انگلستان



و تصویر آبرنگ شاهزاده‌یی با اطرافیان خود بنامهای مهدی علی بابای فراش خلوت، عباس بیگ، سید ابوالقاسم و رجعی کنابداری که تقریباً با قیافه‌های مضحکی نقاشی شده‌اند بارقم «چاکر درگاه ابوالحسن کاشانی غفاری سنه ۱۲۶۰» و تصویر آبرنگ «عزت‌الله‌خان شاهسون دویرن» بارقم «چاکر درگاه ابوالحسن غفاری کاشانی سنه ۱۲۶۱» را که هر سه متعلق بموزه سلطنتی گلستان است، می‌توان نام برد.

خورشید خانم، دختر میرزا احمد و دختر عم پسر ابوالحسن‌خان و عمه فرخ‌خان امین‌الدوله بوده و چنانکه آقای مصطفوی در مقاله خود در شماره ۷ مجله نقش‌ونگار یادآوری کرده‌اند، بهمین مناسبت در میان افراد خاندان غفاری عموماً به «حاجی عمه» معروف بوده است.

۶ - تابلو آبرنگی از پرندگان و حیوانات مختلف، درموزه هنرهای تزیینی موجود است که با قلم سرخ رقم «چاکر درگاه شاهنشاهی ابوالحسن غفاری کاشانی ۱۲۶۱» بر گوشه‌یی از آن نوشته شده است، چون بنظر نویسنده این رقم جعلی است و نقاشیها نیز احتمالاً بر روی باسمه‌های فرنگی انجام گرفته است از اینرو، این تابلو را جزو آثار ابوالحسن‌خان شمرده در متن گفتار وارد نکردم.



صورت آبرنگ، عزت‌الله‌خان دوبرن چاکر درگاه ابوالحسن غفاری کاشانی سنه ۱۳۶۱ هـ. ق - موزه سلطنتی انگلستان



نقاشی آبرنگ چند صورتی، اثر میرزا ابوالحسن‌خان غفاری ۱۳۶۰ هـ. ق - موزه سلطنتی گلستان

گردد. از اینرو، گویا بهمت و سرمایه خود و یا بامساعدت‌های محمدشاه و یا بنا بر نوشته آقای خان‌مک ساسانی، بمساعدت حسینعلی‌خان نظام‌الدوله مشیرالممالک، رهسپار کشور ایتالیا شده، مدتی در هنرستانها و موزه‌های رم و فلورانس و واتیکان بتحصیل و مطالعه و نسخه‌برداری از تابلوهای هنرمندان ایتالیایی پرداخت.

در مورد تاریخ شروع این مسافرت، بین کسانی که راجع باو مطالبی نوشته‌اند اختلاف هست، آقای خان‌مک، آنرا در حدود ۱۲۵۶ هـ. ق. در سن سی سالگی (از روی تاریخ تولد در ۲۷ سالگی) نوشته و تاریخ مراجعت او را نیز در حدود ۱۲۶۲ هـ. ق. در اواخر سلطنت محمدشاه میدانند، ولی بگواهی آثار و نقاشیهای تاریخی‌داری که از او موجود است و قبلاً بعضی از آنها را شرح دادیم، و کاملاً پیداست که از روی طبیعت و در ایران نقاشی شده‌است، معلوم میشود که بین این دو تاریخی

نشان داده شده، از هر حیث شبیه صورت خورشید خانم مذکور است، با این تفاوت که در این تابلو بمناسبت موضوع آن، اندکی جوانتر و زیباتر نمایانده شده است. این آثار رنگ روغنی و آبرنگ که بر شمردیم و متأسفانه تعداد آنها بسیار محدود است علاوه بر اینکه از نظر موضوع و شیوه کار جالب و ممتاز است، از این نظر هم که بعلمت وجود آنها می‌توان طرز کار و سبک میرزا ابوالحسن‌خان را در قبل و بعد سفر ایتالیا مقایسه کرده، حدود و مقدار تأثیرات مستقیم نقاشی غربی را در آثار او تشخیص داد، بسیار مهم و باارزش می‌باشد. ابوالحسن‌خان بنا بر تمایلی که برای پیشرفت و تکامل هنر خود داشت، در اواخر سلطنت محمدشاه یعنی در حدود سالهای ۶۲ - ۱۲۶۱ در این صدد برآمد که سفری بایتالیا برود و آثار نقاشان بزرگ و معروف اروپایی بخصوص نقاشان دوره رنسانس را از نزدیک مشاهده نماید و با طرز کار و شیوه نقاشی آنان آشنا



تصویر حاجی میرزا آغاسی

که آقای خان‌ملك برای اقامت او در اروپا تعیین کرده است ، ابوالحسن خان در میهن خود بوده است .

تصویری از حاجی میرزا آغاسی با کلاه بلند شکسته و قیافه سوخته پرچین و چروک و چشمان بیحال و ریش دوشقه سفید کوسه با عبا و کلیجه ترمهٔ بنه جقه‌یی ، در حالیکه در یک دست عصای سرنفره و در دست دیگر لوله کاغذ گرفته است در مجموعه چو کین در مسکو موجود است که گفته میشود رقم ابوالحسن و تاریخ ۱۲۶۲ دارد . و اگر محقق شود که این تابلو از اوست (چون نویسنده با اینکه گراور این تصویر را دیده ولی از رقم و تاریخ آن بی‌اطلاع است) و کار ابوالحسن افشار ارموی ، نقاش معاصر ابوالحسن غفاری نیست^۷ ، پس در آن صورت باید پذیرفت که مسافرت ایتالیا پس از تاریخ ۱۲۶۲ ه . ق . یا در اواخر همان سال انجام گرفته است .

باین تفصیل ، اگر ابوالحسن خان در اواخر سال ۱۲۶۱ ه . ق . سفر خود را باروفا شروع کرده باشد ، مدت پنج سال و اگر سفرش در ۱۲۶۲ اتفاق افتاده باشد چهار سال از عمر خود را در اروپا به تحصیل و نقاشی و دیدن موزه‌ها گذرانیده است . از ره آورده‌های سفر فرنگ ابوالحسن خان کپی چند تابلو اروپایی موجود است که از آن جمله تابلو معروف «مادونای فولین‌بو» (La vierge Dite De Foligno) اثر رفائیل در واتیکان است . در این تابلو حضرت مریم و مسیح در داخل قرص ماه بر روی ابرها (ملکوت) قرار دارند و فرشتگانی بصورت کودکان خردسال برگرداگرد آنان حلقه زده‌اند و در پایین حضرت یحیی معمدانی و سه نفر از قدسین و پاپها بایک فرشته که کتیبهٔ سینی‌مانندی در دست دارد دیده میشوند . ابوالحسن خان در کتیبهٔ این تابلو بقدری استادی و مهارت بخرچ داده و چنان

خوب از عهده برآمده است که بعضی از استادان فن کپی آن را بر اصل ترجیح داده‌اند .

۷ - آقای رسام ارزنگی در مقاله‌ای که در شماره چهارم مجله اطلاعات ماهیانه ۱۳۲۷ ه . ش . تحت عنوان «نقاشی در ایران» نوشته است ، پس از بحث مختصری راجع به ابوالحسن خان صنیع‌الملک متذکر گردیده که : «یک ابوالحسن دیگر هم در این زمان بوده مشهور به لال که شبیه حاجی میرزا آغاسی را ساخته ولی فرنگ‌رفته و تحصیل کرده نبوده است ، اما نسبتاً بدکار نکرده و پاره‌بی چیزها را کمتر از صنیع‌الملک ساخته است» .

در این مورد باید بگویم که بعلمت وجود چند نقاش و قلمدان‌ساز همنام یا نقاشانی که نامشان شبیه و نزدیک بهم بوده ، اغلب کسانی که راجع به نقاشان این دوره مطالبی نوشته‌اند در اشتباه افتاده چند شخصیت هنری را باهم مخلوط نموده‌اند .

در زمان ناصرالدین شاه غیر از ابوالحسن خان غفاری (صنیع‌الملک) نقاش دیگری بنام «آقا ابوالحسن افشار ارموی» زندگانی می‌کرده که فرزند اللهوردی نقاش و برادرزاده «علی‌اشرف» قلمدان‌ساز و روغن‌کار معروف آذربایجانی بوده است . وی اصلاً در تبریز و رضائیه (ارومیه) کار کرده و گویا هیچگاه به تهران نیامده بوده است ، ولی قلمدان‌های



نابلو آبرنگ، اثر ابوالحسن خان غفاری ۱۳۶۷ هـ. ق - موزه سلطنتی انگلستان

رشته داشت، مقداری وسایل نقاشی و باسسه‌های رنگی و گراورهای فراوان از کارهای استادان اروپایی با خود بایران آورد که بعدها در تکمیل هنرستان نقاشی که خود مؤسس آن بود مورد استفاده قرار گرفت.

اگر تاریخ آغاز سفر ابوالحسن خان تا اندازه‌ای نامعلوم بود، خوشبختانه تاریخ بازگشت او بایران بموجب یک مدرک کتبی معلوم و محقق است، بدین تفصیل که: میرزا طاهر دیباجه‌نگار اصفهانی متخصص شعری در تذکره‌الشعراي خود بنام «کنج شایگان» تحت عنوان میرزا عبدالمطلب کاشانی، خواهرزاده ابوالحسن خان غفاری، که از شعراي عربی گوی معروف زمان خود بوده است می‌نویسد: «... سلسله نسبش منتهی است بآبی در غفاری، خواهرزاده میرزا ابوالحسن خان نقاشی است که در حقیقت نقشی نی، بلکه سحر از او ناشی است و سالهای بسیار و روزگار بیشتر از بی تکمیل این فن مشقتها دیده و صدمه‌ها خورده و رنج سفر اروپا و افرنج برده و حالیا هفتم سال است که از ایتالیا معاودت نموده و اکنون بتصدیق و اتفاق کل اوستادان ایران و فرنگ در رنگ آمیزی و نیرنگ (طرحی که نقاشان پیش از رنگ آمیزی می‌کنند) خاصه در شبیه سازی کارش از حد سحر گذشته و بمعجزه پردازي رسیده...»

اگر در نظر بگیریم که این تذکره بنا بر تحریر خود میرزا طاهر دیباجه‌نگار، در روز سه‌شنبه غره ذی‌القعدة الحرام سال ۱۲۷۳ هـ. ق. بیان آمده است از عبارات او معلوم خواهد

این نابلو که مدت‌ها در زیرزمینهای دربار ناصرالدین‌شاه باقی مانده بود، بعدها بتصرف میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان اتابک، صدراعظم، درآمده، آنرا در سرسرای عمارت پارک اتابک (محل فعلی سفارتخانه اتحاد جماهیر شوروی) نصب کرده بود. سالی که بین دولتیان و ستارخان سردار ملی و مجاهدین در پارک مزبور جنگی در گرفت، این نابلو مورد اصابت گلوله قرار گرفته از چند جا سوراخ و ضایع گردید و بالاخره میرزا علی اکبر خان مزین‌الدوله کاشانی آنرا تعمیر کرد.

این نابلو بعدها در مدرسه کمال‌الملک پدیدوار آویخته بود، و بنا باظهار آقای رفیع حالتی از شاگردان مرحوم کمال‌الملک، در این اواخر در تصرف خود استاد و در نیشابور بوده است، ولی اکنون از سرنوشت آن خبری نیست.

نابلو دیگر عروج حضرت مسیح را با آسمان نشان میدهد که آنهم از روی یکی دیگر از شاهکارهای رفائیل کپی شده، و گویا در تصرف آقای معیر الممالک است.

ابوالحسن خان هنوز در ایتالیا بود که محمدشاه، وفات یافت و فرزند او ناصرالدین میرزا ولیعهد که در تبریز بود با تدایب میرزا تقی خان امیر نظام (امیر کبیر) به تهران آمده بر تخت سلطنت ایران جلوس کرد. بنابراین ابوالحسن خان هنگامی بایران بازگشت که دوسال از سلطنت ناصرالدین‌شاه گذشته بود.

ابوالحسن خان ضمن بازگشت بمیهن بنا بر تمایل شدیدی که بر توسعه هنر نقاشی در ایران و تربیت شاگردان متعدد در این



نقاشی آبرنگ، اثر میرزا ابوالحسن خان غفاری - موزه ایران باستان

چهره اش برنگ آفتاب سوخته و چشمانش برنگی که اندکی با بی میزند رنگ آمیزی شده است، صورت تمام رخ است

۸ - در ماده تاریخ اتمام تذکره گنج شایگان «بیدل» شاعر گفته است:

بیدل بخامه، گوهر تاریخ سفت و گفتم

«آکنده شد بدرج گهر گنج شایگان»

که از مصرع دوم بحساب جمل، تاریخ ۱۲۷۳ ه. ق. استخراج میشود. ۹ - اصل این تابلو ذی قیمت اکنون در موزه مردم شناسی محفوظ است و در گوشه چپ بالای آن نوشته شده: «بحسب امر مبارک سرکار اقدس شهریاری روحنا له الفداء، تصویر جناب جلالتمآب صاحب السیف والقلم، مقتدی الرجال والامم، آصف الامجد الافخم والاکرم الاعظم سرکار امیر کبیر میرزا تقی خان آدام الله اقباله، جان نثار محمد ابراهیم نقاشی ۱۲۶۵».

گردید که ابوالحسن خان غفاری هفت سال پیش از تاریخ فوق یعنی در حدود ۱۲۶۶ ه. ق. (سال دوم سلطنت ناصرالدین شاه) از سفر اروپا بهمین خود بازگشته بوده است.

سمت نقاشباشیگری دربار ناصرالدین شاه در این سالها با استاد محمد ابراهیم بود و او همان کسی است که صورت رنگ روغنی امیر کبیر را در سال ۱۲۶۵ ه. ق. بدستور ناصرالدین شاه نقاشی کرده، و شاید تنها صورتی است از امیر که در حال حیات وی ترسیم شده است^۹.

بین سالهای ۶۷ - ۱۲۶۶ ه. ق. گویا پس از فوت استاد محمد ابراهیم مزبور یا در زمان حیات او، سمت و عنوان او از طرف ناصرالدین شاه بابوالحسن خان اعطاء شد و وی از آن پس رسماً نقاشباشی دربار گردید، زیرا از حدود همین سالهاست که دیده میشود در رقم های خود کلمه «نقاشباشی» را افزوده و آثار خود را با این عنوان امضاء کرده است.

نخستین اثری که از ابوالحسن خان پس از بازگشت با بران بارقم «نقاشباشی» در دست است، تصویر آبرنگ شاهزاده بی است (گویا عبدالصمد میرزا؟) که او را بادوستان و اطرافانش نشان میدهد. این تصویر در سال ۱۲۶۷ ه. ق. در چمن سلطانیه بدستور ناصرالدین شاه نقاشی شده و رقم «هوالله، ابوالحسن نقاشباشی غفاری کاشانی» دارد. از این تابلو که اینک در حوضخانه کاخ گلستان بدیوار آویخته است، آثار شکفتگی و بروز قدرت پرتره سازی و شبیه کشی ابوالحسن خان و نمایش حالات و روحیات صاحب قیافه نمایان است و راهی را که نقاش از آن پس در پیش گرفت، مشخص میسازد.

اثر دیگری که از او مربوط بهمین سالها بجای مانده تصویر فرخ خان امین الدوله غفاری است که در شماره ۷ مجله نقش و نگار بچاپ رسیده و بنا به تشخیص آقای مصطفوی در حدود سالهای ۶۹ - ۱۲۶۸ نقاشی شده است.

داستانی نیز مربوط بهمین سالها راجع به تصویر امیر کبیر از قول مرحوم کمال الملک در زبانها هست که میگویند:

«پس از قتل امیر کبیر در کاشان (۱۷ ربیع الاول ۱۲۶۸ ه. ق.) ناصرالدین شاه برباقی نماندن تصویری از او سخت افسوس میخورد و است، تا روزی خود قلم بدست گرفته، طرح مدادی ساده ای ترسیم کرد و بابوالحسن خان نقاشباشی داد تا تکمیل کند...»

گرچه صحت این داستان، با بودن تابلو رنگ روغنی امیر کبیر که در بالا بدان اشاره کردیم، تاحد زیادی محل تردیدست، ولی تصویر تمام قدی منسوب بامیر کبیر بقلم ابوالحسن خان نقاشباشی در موزه ایران باستان موجود است که شاید باعث پدید آمدن این داستان وجود همین تصویر بوده است. این صورت، نقاشی آبرنگ کوچک و بسیار زنده ای است که مردی را در حدود سی و هشت و چهل سالگی نشان میدهد.



سیده زبیده با کنیزگان بدیدن جوان آمد - الف نیل - کتابخانه سلطنتی

رنگ آمیزی شده در حالیکه امیر صورتی سرخ و سفید داشته است، چشمها برنگ آبی است در حالیکه چشمهای امیر میشی بوده است، ریش نیمه بلند و افتاده است در حالیکه ریش امیر توبی و کوتاه بوده است، تصویر وسط نشان تمثال، شاه را با ته ریش و در حدود بیست و هشت و سی سالگی نشان میدهد در صورتیکه در موقع قتل امیر، ناصرالدین شاه بیست و یکسال بیشتر نداشته است چنانکه در تابلو رنگ روغنی هم مطابق با زمان، تصویر شاه در ۱۶ و ۱۷ سالگی (اوایل سلطنت) نقاشی شده است. حمایل امیر از نوع اطلس آبی روشن بوده در حالیکه صاحب این تصویر، حمایل سبز بایک خط سفید در وسط، دارد و سن او با سن امیر در دوره صدارت و هنگام قتل تطبیق نمی کند و جوانتر می نماید.

با این وصف، جای تعجب است که مادام گدار با آنکه خود در کاتالوگ موزه چرنوسکی - که این تصویر در آن معرفی شده - با گذاشتن علامت سؤال در جلو اسم امیر کبیر،

وریشی نیمه بلند دارد. کلاه بلند و سیاه و جبهه ترمه بنه جقه‌یی سفید تشریفاتی در بر کرده و از زیر جبهه قسمتی از حمایل سبز بایک خط سفید نمایان است. در گردن او نشان تمثال ناصرالدین شاه آویخته شده که شاه را با قیافه جوان و ته ریشی نشان میدهد. در دو طرف حاشیه و سجاف جبهه، دوشمه جواهر نشان با شرابه‌های مروارید نصب گردیده است در سمت چپ سینه او یک قطعه نشان شیر و خورشید مکمل بالماس نصب شده. از وجنات و جبهه و شمه و نشان و حمایل صاحب تصویر پیداست که از وزرای معتبر اوایل سلطنت ناصرالدین شاه بوده ولی بنا بدلائلی که در زیر خواهیم آورد این تصویر نمی تواند صورت امیر کبیر یا لااقل تصویر حقیقی او باشد.

در مقایسه بین این آبرنگ و تابلو رنگ روغنی امیر کبیر که در حال حیات وی ساخته شده، و در حقیقی بودن آن تردیدی نیست - نکات زیر بچشم می خورد:

در این تصویر رنگ بشره تیره و برنگ آفتاب سوخته



ملك شرگان با ملکه ابریزه دست بگردن ایستاده‌اند - الف لیل - کتابخانه سلطنتی

آن گوشه بهمان نام، نامیده می‌شود. این سرای بزرگ حجره‌های فراوان و گوناگونی داشت که در هر حجره، گروهی از هنرمندان و صنعتگران باشاگردان و دستیاران خود مشغول ساختن و پرداختن سفارشهای مختلف درباریان و اعیان و مردم بودند و می‌توان گفت بهترین استادان آن زمان، در فنون مختلف، در آنجا گرد آمده بودند. یکی از حجره‌های متعدد این سرای بزرگ «حجره نقاشان» بود که ابوالحسن‌خان نقاشی با ۳۴ نفر از شاگردان خود در آنجا بکار نقاشی مشغول بودند.

بنابمدار کی که در دست است، در سال ۱۲۶۹ ه. ق. نقاشی و شاگردانش و چند استاد دیگر، در این حجره نقاشی و تذهیب و صحافی و تجلید کتاب «هزارویک شب» (الف لیله) مشغول بوده‌اند.

تاریخچه پدید آمدن نسخه خطی این کتاب که اینک در کتابخانه سلطنتی ایران محفوظ است و همچون شاهنامه بایسنقری

در صحت این انتساب تردید کرده است، باز در متن مصرأ نوشته «این شخص بدون شك امیر کبیر است» و آقای خان‌ملك ساسانی نیز گویا به تبعیت از او، در مقاله خود در اطلاعات ماهیانه، این نقاشی آبرنگ را تصویر امیر کبیر معرفی کرده است. بهر صورت، این تصویر آبرنگ منسوب بهر شخصیتی که باشد، خود نمونه جالبی از پرتره‌های ابوالحسن‌خان نقاشی و بسیار با ارزش است ولی افسوس که در نگاهداری آن دقت کافی و لازم بعمل نیامده و اینک در حال از بین رفتن است. شادروان امیر کبیر در دورهٔ صدارت بسیار کوتاه ولی مشعشع خود برای تربیت و تشویق اهل هنر و صنعت و ترویج صنایع داخلی، طرح مدرسه یا مؤسسه بی‌نام «مجمع‌دارالصنایع» ریخته بود که مانند بسیاری از اقدامات او پس از مرگش بثمر رسیده افتتاح گردید.

«مجمع‌الصنایع» در سرای بزرگی در انتهای بازار توتون فروشان، در جنوب غربی «سبز میدان» قرار داشت که هنوز هم

خواجه کبیر و کنیز و دلال مقابل وزیر ایستاده - الف لیل - کتابخانه سلطنتی



خواجه کبیر و کنیز و دلال مقابل وزیر ایستاده - الف لیل - کتابخانه سلطنتی

نقاشی آماده نماید، چون تحریر کتاب، پس از مدتی، در سال ۱۲۶۹ هـ. ق. پایان رسید شاه فرمان داد ماهرترین نقاشان و بهترین تذهیبکاران و صحافان پایتخت مجلدات این کتاب را نقاشی و تذهیب و صحافی کردند و اثری بدیع بوجود آوردند. میرزا احمد منشی فرزند بدایع نگار در «تاریخ قاجار» که بنام ناصرالدین شاه تألیف کرده است^{۱۰} درباره این کتاب می نویسد: «..... کتاب الف لیلة و لیله از تصانیف استادی کامل و فیلسوفی اعظم در نمودار اطوار امم و انوار حکم و جوامع کلمه، نستختی بدیع و تألیفی معجز بود، فاضل ادیب عبداللطیف الطسوجی

از آثار نفیس و زیبا و شاهکار زمان خود محسوب می گردد، چنین است که: در سال ۱۲۵۹ هـ. ق. ملا عبداللطیف طسوجی، کتاب «الف لیل» را در تبریز بامر بهمن میرزا از عربی بفارسی ترجمه کرد و شمس الشعراء سروش اصفهانی نیز بجای اشعار عربی آن اشعار نغز پارسی بنظم آورده در سال ۱۲۶۱ هـ. ق. برای بار اول بخط میرزا علی خوشنویس، در همان شهر بچاپ سنگی رسید و بهترین چاپیست که تا کنون از این کتاب بعمل آمده است. در ایام ولیعهدی ناصرالدین شاه، که این کتاب شیرین و جذاب را برایش خواندند، میل کرد نسخه ظریف و مصوری از آن داشته باشد، و چون مقارن همین ایام پدرش محمدشاه در تهران وفات یافت و او بسلطنت رسیده بطهران آمد، در اینجا دستور داد همان ترجمه را میرزا محمدحسین طهرانی خطاط معروف آن زمان بخط خوش و قطع بزرگتر نوشته برای

۱۰ - نسخه خطی «تاریخ قاجار» (۷۵ - ۱۲۷۱ هـ. ق.) از احمد منشی رازی که گویا مؤلف می خواسته بآن نام «بدایع التواریخ» یا «تاریخ بدیع» بدهد در کتابخانه دانشکده حقوق تحت شماره های ۱۲۲۱ ب، ۱۲۲۲ ب مضبوط است.



حسن بدرالدین عوض احدب بحجله رفت - الف لیل - کتابخانه سلطنتی

او از خطه معانی و روضه امالی حکایت کردی و از طلسمات مداد و دوات مردم دیده را شربت آب حیوة چشاندیدی ، و او از سر جد و اجتهاد بنگارش و تحریر آن نامه خسروانی شروع پیوست و در ملاحه قطف و صاحب خط یدبیضا نمود

استاد مانی نگار ۱۱ سرکار ابوالحسن الغفاری - القاشانی در تمثیل و تشکیل هر ورق کمال صنعت و جمال بضاعت خویش باز نمود و طبیعت نقاشان چین و صورتگران افرنج را بصنع برداشت چنانکه دیده از دیدار آن خیره شود و عقلها حیران ماند که مگر در انابل او سحر بابل تعبیه کرده اند و با بر اطراف بنان او خامه عطارده نهاده و هر صفحه که از نگار و نگارش این دو استاد بر آمدی چون دلبران طناز کرشمه و ناز

و شمس الشعراء سروش صفاهانی آن کتاب را دریانی روشن و اسلوبی فصیح پیاری ترجمه کردند و در تفسیر هر جمله و تعبیر هر کلمه محاسن ایجاز و اعجاز ظاهر آوردند و اشعار فصیح و امثال ملیح در آن درج کردند و بالفاظ سهل و لغات رقیق بیاراستند . فرمان مطاع عتر صدور یافت که آن کتاب مستطاب باخطی خوش در قطعی دلکش نگاشته آید و نقاشان یدیع صنعت لطیف تائق تمثال هر سخن و صورت هر مجلس را در صفحه جداگانه نقش کنند و مجموع آن اوراق را باسیم و زر نازیب و زبور دهند و بسا لاجورد چینی و وسمه یمانی تکمیل کنند و مخارج و مصارف آن بجملگی فروریزند و در التزام الزامات و اخراجات آن باکم و بیش التفات نکنند و از آنچه موجب فراغ خاطر و آسایش جانب کارگزاران این خدمت آید افسوس نجویند . عماد الخط ، استاد الخطوط حسین بن علی الرازی رحمه الله علیه نیز نگارش آن نامه همایون اختیار افتاد چه خط



انیس جلیس وارد عمارت خلیفه شده - الف لیل - کتابخانه سلطنتی

پرونده گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

الف لیلة و لیلہ . جلد ۱ - ۲ (در ۶ مجلد)

شماره ۱۲۳۷۲ - ۱۲۳۶۷

ترجمه عبداللطیف طسوجی

باندازه ۳۰۰×۴۵۰ میلیمتر - جلد روغنی عالی - صفحات تماماً متن وحاشیه ، کاغذ متن خانبالغ شگری ، کاغذ حاشیه فرنگی نخودی ، همگی صفحهها بین سطور طلااندازی جدول و کمند زرین دار - عنوان هر شب بخط رقاع کتابت عالی در سرسخنهای مذهب در متن و عنوان حکایات بهمان خط بمرکب الوان در گوشه چپ بالای حاشیه نوشته شده است - دوره کتاب

آغاز کردی ویر آیین مغیجگان عیار ، دل آرام و دل آزار
آمدی»

در اینجا بمناسبت موضوع ، توصیف مفصل این مجموعه و نسخه نفیسی را که از فهرست کتابهای خطی فارسی کتابخانه سلطنتی ، تألیف آقای دکتر مهدی بیانی رئیس دانشمند و محترم کتابخانه سلطنتی استخراج گردیده است برای نخستین بار بچاپ می رسانییم تا مورد استفاده علاقه مندان این قبیل موضوعات قرار گیرد :



شهرزاد با دنیازاد حکایت میکند - الف لیل - کتابخانه سلطنتی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شکر خای قلم بدو زبان بر آن تکلم کند»
پایان مجلد ششم : « . . . تمامی رعیت و اهل مملکت را
بنواخت و در دولت و نعمت و عیش و شادی همی زیستند تا اینکه
هادم اللذات و مفترق جماعات برایشان بیامد. سبحان من لایموت.»

※

این مجموعه نفیس بی نظیر بامر ناصرالدین شاه قاجار
و بمباشرت دوستعلی خان معیر الممالک در «مجمع الصنائع ناصری»
فراهم آمده است .

بقیه در شماره آینده

۲۲۸۰ صفحه که ۱۱۴۲ صفحه نوشته کتاب و ۱۱۳۴ صفحه
تصویر و ۴ صفحه بیاض است در هر صفحه مصور بتفاوت از سه
مجلس تاشش مجلس تصویر آبرنگ عالی نقاشی و حاشیه آن تذهیب
و ترصیع شده است - نوشته کتاب هر صفحه ۳۰ سطر ، هر سطر
۱۵۰ میلیمتر - خط مجلد اول نستعلیق کتابت و بقیه مجلدات
نستعلیق نیم دودانگ عالی - رقم محمد حسین کاتب السلطان
تهرانی - تاریخ پایان تحریر کتاب سال ۱۲۶۹ هجری قمری .
آغاز مجلد اول : «خجسته نوائی که هزار دستان زبان
بر اعضای جان بدان ترنم نماید و فرخ ترین داستان که طوطی